

مولای من ا

تو که در بیابان ها رهنمای گمشدگانی،

من نیز گمشده بیابان انتظار و میرانی ام و سرگشته و شیدا تو را می جویم

و فریاد میزنم

یا ابا صالح المهدی ادرکنی و لا تهلکنی...

گل فوشبوی فاطمه!

چشم انتظارم تا در جمعه موعود بیایی و از کنار کعبه نغمه انا المهدی را سر دهی و

مظلومان عالم را بشارت دهی به این که اکنون نوبت تمقق وعده های الهی است...

راستی من آن روز فواهم بودم؟

دوست دارم که باشم و در رکاب تو قدم بردارم. هرچند می دانم روسیاه و گنهگارم. اما

چشم امیدم به لطف و کرم شماست.

هر روز دعای عهد می خوانم تا روزی که می آیی و من نباشم. دوباره برانگیخته شوم و در

رکاب تو قدم بردارم.

آقای من ا

دست ناتوانم را بگیر و مرا به خود وا مگذار...



## صحبت های استاد فرهمند

«اللهم انى اجدد له فى صبيحة يومى هذا... عهداً و عقداً» يك عهد و عقدى را در هر روز تجديد مى كنيم و اين عهد را بين خود و مولايمن مى بنديم با ولى اى كه هم به لحاظ تكوينى و هم به لحاظ تشريعى ولى ماست. اين تجديد عهد و بيعت با حقيقتى صورت مى گيرد ، آيا اين عهد صرفاً يك رابطه عقلى است و هيچ ارتباطى با احساس ما ندارد و يا نه؟ ما كه با تمام ذرات وجود به امام خود محبت مى كنيم آيا او هم نسبت به ما همينطور است؟

روايت مى فرمايد: در اصول كافى آمده شخصى نزد امام كاظم عليه السلام مى آيد و مى گويد: آقا ما را از دعا فراموش نكن، حضرت مى فرمايد: فكر مى كنى من فراموش مى كنم؟ (اين راوى نه جزء ابواب بوده و نه جزء اصحاب فقط يك شخص متقى بود) راوى مى گويد: پيش خود فكر كردم كه حضرت براى همه شيعيانشان دعا مى كنند من هم جزء عموم هستم. راوى گفت: نه شما من را فراموش نمى كنيد و حضرت فرمودند: چطور فهميديد؟ راوى گفت: گفتم من از شيعيان شماام و شما همه را دعا مى كنيد و من را هم دعا مى كنيد. حضرت فرمودند: از راه ديگرى هم فهميدى؟ راوى گفت: نه. حضرت فرمودند: هر وقت خواستى متوجه شوى كه جاىگاه تو در دلم چطور هست و فكرم براى تو چگونه ، به خودت و قلبت مراجعه كن، همانطور من به ياد و فكر تو هستم.



هر كس، در هر نماز واجب يك بار و در يك قنوتش دعای فرج را بخواند به نقل اين حديث مى تواند بگويد كه امام زمانش يك مرتبه در روز بعد از نمازش به ياد او هست. به همان مدارك در دعای عهدش عهد مى بندد. وقتى دعای عهد را مى خواند مى گويد: دارم بيعتم را تجديد مى كنم از عرض و اعتقادات دعا شروع مى شود، جنبه هاى عاطفى غلبه مى كند. تمنای رؤيت مى كند. پس خداوند چنان عقلى به آن ها در دوران غيبت داده كه به منزله مشاهده است.

يعنى از جهت ميزان باور، يقين، اعتماد و اطمينان به اين حدند كه حضرت را به چشم سر نديده ولى به چشم دل باور دارند.

مخاطبين شما بفهمند كه رابطه شما با امام زمانتان صرفاً يك رابطه حاكم و محكومى نيست كه ولو قلباً و عقلاً تصديق مى كند لزوم تبعيت و فرمان بردارى محض را و اگر آن را بپذيرد... حالا كشش و گرايشش كجاست؟ كشش در همين روايت است حكمى را كه امام عليه السلام مى فرمايد. كه حضرت اشاره و تنبيه مى دهند يك حكم خصوصى و نه يك حكم عمومى .

(بين اين سه روايت الزاماً رابطه اى نيست)





روایت دوم روایتی از امام باقر علیه السلام (بحار الانوار، ج ۵۲)

عبد الحمید الواسطی بعد از اینکه سختی انتظار و غیبت کبری را از امام باقر می شنود:

حضرت به او فرمودند: فکر کردی کسی که خودش را وقف و محبوس برای خدا کند برای او فرجی نمی رساند. حضرت ادامه: بله والله. با سه تأکید: قسم به خدا حتماً برای او فرجی قرار خواهد داد. خدا رحمت کند بنده ای را که خودش را وقف ما اهل بیت کند. (خوشی ما خوشی او شود. مصیبت ما مصیبت او شود. خود را محبوس ما کند و...). خدا رحمت کند بنده ای را که امر ما را احیاء کند.

روایت سوم از امام رضا علیه السلام (مرحوم صدوق در اخبار الرضا) که می فرمایند: خدا رحمت کند بنده ای را که امر ما را احیاء کند. اباضلت گفت: چگونه امر شما احیاء می شود؟ امام رضا علیه السلام فرمودند: علوم اهل بیت را بیاموزد و به دیگران بیاموزد. حضرت می فرمایند کلام ما را بدون کم و کاست به مردم برسانید، مردم خودشان راه می افتند.

مراسم با قرائت دعای عهد و با نوای دلنشین و آشنای استاد فرهنگد و همچنین ذکر مصیبت به مناسبت وفات حضرت زینب کبری سلام الله علیها خاتمه یافت.

